



**بنیان‌های نظری سیاست
تنوع فرهنگی و همبستگی
در اندیشه سیاسی اسلام**

علی قاسمی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۶

قاسمی، علی، ۱۳۵۷ بهمن -

بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام / علی قاسمی؛ ویراستار سعیدرضا علی‌عسکری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.

ده: ۳۱۷ص: مصور. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۱۳: علوم سیاسی؛ ۱۳)

ISBN: 978-600-298-178-3

بها: ۱۸۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه. ص. [۲۸۳] - ۲۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. چندفرهنگی-جنبه‌های مذهبی-اسلام. ۲. Multiculturalism-Religious aspects-Islam.

۳. همبستگی-جنبه‌های مذهبی-اسلام. ۴. Solidarity-Religious aspects-Islam. ۵. کثرت‌گرایی

فرهنگی-جنبه‌های مذهبی-اسلام. ۶. Cultural pluralism-Religious aspects-Islam. ۷. اسلام و فرهنگ.

۸. Islam and culture. الف. علی‌عسکری، سعیدرضا، ۱۳۴۴-، ویراستار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۲۹۷/۴۷

BP۲۲۷/ق۲ب۹۱۳۹۶

۴۹۲۷۰۹۱

شماره کتابشناسی ملی



بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام

مؤلف: علی قاسمی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستاری: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نماینده: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی:

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی قابل استفاده است. از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر علی قاسمی و نیز از ارزیابان محترم دکتر محمد شجاعیان و دکتر محمود علیپور گرجی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
روش.....	۳
سازمان‌دهی.....	۴

فصل اول: مفاهیم و مباحث نظری

۱. تنوع فرهنگی، مفهوم و خاستگاه.....	۷
۱-۱. مفاهیم.....	۷
۱-۱-۱. بنیان.....	۷
۱-۱-۲. فرهنگ.....	۸
نسبت فرهنگ و دین.....	۱۰
۱-۱-۳. خرده فرهنگ.....	۱۶
۱-۱-۴. سیاست تنوع فرهنگی.....	۱۷
۱-۱-۵. هویت.....	۲۰
۱-۱-۶. اقلیت.....	۲۳
۱-۱-۷. گفتگو.....	۲۴
۱-۱-۸. همبستگی.....	۲۵
۱-۱-۹. قوم و قومیت.....	۲۵
۱-۱-۱۰. اندیشه سیاسی اسلام.....	۲۸
۲-۱. منشأ و خاستگاه تفاوت و تنوع فرهنگی.....	۲۹
۱-۲-۱. مهاجرت.....	۳۰
۲-۲-۱. قدمت گروه‌های فرهنگی.....	۳۰
۳-۲-۱. اشتراک‌های فکری و فرهنگی.....	۳۱
۲. استراتژی‌ها و نظریه‌های سیاست تنوع فرهنگی.....	۳۱
۱-۲. همانندسازی یا یکسان‌سازی فرهنگی.....	۳۳
۲-۲. تکثرگرایی.....	۳۷

۳۸ ۱-۲-۲. تکثرگرایی مساوات طلبانه
۳۹ ۲-۲-۲. تکثرگرایی نابرابر
۴۰ ۳-۲. وحدت متکثر
۴۳ ۲. روش و منابع آن
۴۳ ۱-۳. منابع اجتهادی تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه اسلام
۴۳ ۱-۱-۳. قرآن کریم
۴۵ ۲-۱-۳. سنت
۴۶ ۳-۱-۳. اجماع
۴۶ ۴-۱-۳. عقل
۴۸ رویکردهای مختلف به اندیشه سیاسی اسلام
۴۸ الف) رویکرد برون دینی
۴۹ ب) رویکرد درون دینی
۵۱ ۲-۳. روش
۵۲ ۱-۲-۳. اجتهاد
۵۴ ۱-۱-۲-۳. نص محوری
۵۵ ۲-۱-۲-۳. خطاپذیری
۵۷ ۳-۱-۲-۳. عمل محوری
۵۸ ۴-۱-۲-۳. عقل محوری
۵۸ جمع‌بندی و طرح کلی مباحث

فصل دوم: تنوع فرهنگی در اندیشه سیاسی اسلام

۶۱ گفتار اول: اسلام و مؤلفه‌های تنوع فرهنگی سیاسی
۶۱ مقدمه
۶۸ ۱. آزادی
۷۳ ۱-۱. آزادی اندیشه
۷۵ دعوت به تفکر
۷۷ ۲-۱. آزادی بیان و تبلیغ
۷۹ ۳-۱. آزادی دینی
۸۰ ۱-۳-۱. اجباری نبودن پذیرش دین
۸۸ ۱-۱-۳-۱. احترام به دیگر ادیان و پیروان آن (همزیستی با ادیان)
۹۰ ۲-۱-۳-۱. منطقی و استدلال در انتشار ادیان
۹۲ ۳-۱-۳-۱. جهاد
۹۹ ۲-۳-۱. آزادی عقیده
۱۰۳ ۱-۲-۳-۱. حد و مرز آزادی و چگونگی رفتار با معاند
۱۰۹ ۲-۲-۳-۱. ارتداد

۱۱۵ ۲. عدالت
۱۱۷ ۲-۱. عدالت در قضاوت و داوری
۱۱۸ ۲-۲. عدالت در برابر گناهکاران و دشمنان
۱۱۹ ۲-۳. عدالت در گفتار
۱۲۰ ۲-۴. عدالت اجتماعی
۱۲۷ ۳. امنیت
۱۳۲ گفتار دوم: مبانی نظری تنوع فرهنگی در اندیشه سیاسی اسلام
۱۳۲ مقدمه
۱۳۵ مبانی نظری تنوع فرهنگی
۱۳۵ ۱. مبانی معرفت‌شناختی
۱۳۶ ۱-۱. تعقل و خردگرایی
۱۴۵ ۱-۲. شمول‌گرایی (در مقابل نسبی‌گرایی)
۱۴۸ ۲. مبانی انسان‌شناختی
۱۵۲ ۲-۱. کرامت ذاتی و انسانی
۱۵۹ ۲-۲. مساوات براساس دیدگاه کرامت‌مدارانه
۱۶۱ ۲-۲-۱. منشأ واحد انسان‌ها
۱۶۲ ۲-۲-۲. ارزش واحد
۱۶۶ ۲-۲-۳. غایت واحد
۱۶۷ ۲-۲-۴. خطاب واحد
۱۷۰ ۲-۳. فطرتی خداجو
۱۷۳ ۲-۴. خلیفة اللهی انسان
۱۷۵ ۲-۵. مختار و آزاد بودن انسان
۱۷۶ ۳. مبانی ارزشی
۱۷۷ ۳-۱. نظام ارزشی و اخلاقی
۱۷۸ ۳-۲. ایمان و عمل صالح
۱۸۱ ۳-۳. اصول اخلاقی عام همبستگی و همزیستی
۱۸۳ ۳-۳-۱. حق حیات
۱۸۸ ۳-۳-۲. خیرخواهی و نیکوکاری در جامعه
۱۸۹ ۳-۳-۳. استقلال و احترام به دیدگاه و اعتقاد دیگران
۱۹۲ ۳-۳-۴. وفای به عهد
۱۹۵ ۳-۳-۵. به رسمیت شناختن دیگران
۱۹۶ ۳-۳-۶. سعه صدر
۱۹۷ ۳-۳-۷. برادری
۱۹۷ ۳-۳-۸. از خود گذشتگی
۱۹۸ ۳-۳-۹. استقبال از شنیدن سخن و نظر دیگران

۱۹۹ رعایت ظواهر و تجسس نکردن در نیت افراد.....	۳-۳-۱۰
۱۹۹ تکیه بر علم و پرهیز از حدس و گمان.....	۳-۳-۱۱
۲۰۰ تجاوز نکردن به حقوق دیگران.....	۳-۳-۱۲
۲۰۱ ظلم نکردن به شهروندان.....	۳-۳-۱۳
۲۰۲ تعاون و همکاری.....	۳-۳-۱۴
۲۰۲ قدرت انعطاف.....	۳-۳-۱۵
۲۰۴ انصاف با دیگران.....	۳-۳-۱۶
۲۰۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	

فصل سوم: همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام

۲۰۹ مقدمه.....	
۲۱۱ عرصه‌های همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز.....	۱
۲۱۲ ۱-۱ همزیستی مذهبی.....	۱-۱
۲۱۳ ۱-۱-۱ اصول مشترک مذاهب.....	۱-۱-۱
۲۱۳ ۱-۱-۱-۱ اصول اعتقادات.....	۱-۱-۱-۱
۲۱۴ ۱-۱-۱-۲ قرآن.....	۱-۱-۱-۲
۲۱۵ ۱-۱-۱-۳ ساختار کلی دین.....	۱-۱-۱-۳
۲۱۵ ۲-۱ همزیستی دینی.....	۲-۱
۲۱۷ ۱-۲-۱ اقلیت‌ها.....	۱-۲-۱
۲۱۸ ۲-۲-۱ اقسام غیرمسلمانان.....	۲-۲-۱
۲۱۸ ۱-۲-۲-۱ مستأمن.....	۱-۲-۲-۱
۲۱۹ ۲-۲-۲-۱ مهادن.....	۲-۲-۲-۱
۲۱۹ ۳-۲-۲-۱ کافر ذمی.....	۳-۲-۲-۱
۲۲۰ ۴-۲-۲-۱ کافر حربی.....	۴-۲-۲-۱
۲۲۰ ۳-۱ همزیستی انسانی.....	۳-۱
۲۲۱ ۲ عوامل اختلاف و راهکارهای حل آن.....	۲
۲۲۱ ۱-۲ عوامل اختلاف و گسست فرهنگی.....	۱-۲
۲۲۲ ۱-۱-۲ عوامل درونی.....	۱-۱-۲
۲۲۲ ۱-۱-۱-۲ تعصب.....	۱-۱-۱-۲
۲۲۲ ۱-۱-۱-۱-۲ تعصبات فرهنگی.....	۱-۱-۱-۱-۲
۲۲۴ ۲-۱-۱-۱-۲ تعصبات قومی و نژادی.....	۲-۱-۱-۱-۲
۲۲۵ ۳-۱-۱-۱-۲ تعصبات سیاسی.....	۳-۱-۱-۱-۲
۲۲۶ ۲-۱-۱-۲ نداشتن شناخت و دوری جستن از اصل خردمندی و عقلانیت.....	۲-۱-۱-۲
۲۲۷ ۳-۱-۱-۲ رعایت نکردن اصول و ارزش‌های اخلاقی.....	۳-۱-۱-۲
۲۲۸ ۲-۱-۲ عوامل محیطی و خارجی.....	۲-۱-۲

۲۳۰ راهکار همبستگی و حل اختلاف
۲۳۰ ۱-۲-۲ ارتقای دانش و بینش
۲۳۲ ۲-۲-۲ پرهیز از تکفیر و اهانت به مقدسات یکدیگر
۲۳۵ ۳-۲-۲ احترام به عقاید دیگران
۲۳۵ ۴-۲-۲ تکیه بر اصول و منافع مشترک
۲۳۸ ۱-۴-۲-۲ عقیده به توحید
۲۴۰ ۲-۴-۲-۲ طریقه هدایت از سوی پیامبران الهی
۲۴۱ ۳-۴-۲-۲ معاد
۲۴۲ ۵-۲-۲ گفتگو
۲۴۴ اهمیت و ضرورت گفتگو
۲۴۵ گفتگو در اندیشه اسلامی
۲۴۹ دلایل گفتگو
۲۵۱ تفاوت به خاطر اختلاف در درجات ایمان
۲۵۴ تفاوت به خاطر اختلاف در سطح شناخت و آگاهی
۲۵۶ اختلاف در منافع
۲۵۶ ساز و کارهای ارتباط میان فرهنگ‌ها
۲۵۷ شیوه گفتگو
۲۵۷ الف) حکمت
۲۵۷ ب) اندرز نیکو (موعظه)
۲۵۷ ج) جدال احسن
۲۶۰ جدال احسن و مسالمت‌آمیز
۲۶۳ د) بی‌طرفانه و با بهترین وجه
۲۶۳ ه) پرهیز از دشنام و ناسزا
۲۶۵ و) پرهیز از خودکامگی
۲۶۵ ز) گفتگو براساس مبانی فطری
۲۶۵ ح) قدرت تحمل نظریات مخالف
۲۶۶ محورهای گفتگو
۲۶۶ آداب گفتگو
۲۶۸ ۶-۲-۲ تسامح
۲۷۱ ۷-۲-۲ بردباری مذهبی
۲۷۳ ۸-۲-۲ سیاست محبت
۲۷۶ جمع‌بندی
۲۷۸ نتیجه‌گیری

منابع و مأخذ

۲۸۳	کتاب‌ها
۲۹۲	مجله‌ها
۲۹۴	انگلیسی

نمایه‌ها

۲۹۵	نمایه آیات
۳۰۲	نمایه روایات
۳۰۷	نمایه اشخاص
۳۰۹	نمایه کتاب
۳۱۰	نمایه اصطلاحات

مقدمه

انسان، از زمان خلقت تا آن هنگام که انسان است، همواره مختلف و متفاوت بوده است و خداوند انسان‌ها را با وجود همین اختلاف‌ها و تفاوت‌های زبان، رنگ، آداب و رسوم، شیوه‌های فکری، علمی و اعتقادی کرامت بخشیده و بزرگ داشته و همچنین با ودیعه گذاشتن عقل و اراده آزاد، آفرینش او را سامان داده است. اختلاف‌ها و دگرگونی‌ها از پیامدهای عقل و اراده‌اند و از این‌رو، گوناگونی فرهنگی، تاریخی به قدمت تاریخ خلقت و حیات جمعی انسان‌ها دارد و دنیای امروز دنیایی است با اجتماعات گوناگون کوچک و بزرگ و با فرهنگ‌های گوناگون.

امروزه وجود مسئله تعدد و تنوع فرهنگی در میان اندیشمندان واقعیتی پذیرفته شده است و به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اجتماعات بشری شناخته می‌شود؛ توجه اندیشمندان و افکار عمومی بیشتر به پیامدهای این پذیرش در عرصه اجتماع، به رسمیت شناخته شدن گوناگونی‌های فرهنگی، احترام به فرهنگ‌ها و سرانجام، بازبینی نهادهایی مثل دولت ملی معطوف شده است. از این‌رو، یکی از پرجاذبه‌ترین پرسش‌های اساسی فراروی نظریه‌پردازان عرصه سیاست با توجه به اختلاف‌های طبیعی و گوناگونی‌ها، در چگونگی رفتار انسان‌ها با یکدیگر و همزیستی مسالمت‌آمیز همراه با اتحاد در میان جوامع متعدد فرهنگی است. بدیهی است که در این میان اندیشه‌هایی توان ایفای نقشی فعال در تعامل با این وضعیت را خواهند داشت که از همه ظرفیت‌های موجود در عرصه اندیشه‌ورزی بهره برده و با آگاهی و به دور از سلیقه‌های شخصی، پای در این عرصه گذارند، و طبیعی است که اگر یکدیگر را به رسمیت شناختند و با همدیگر پیوند برقرار کرده، به احترام و همیاری پرداختند، از این اختلاف‌ها و گوناگونی‌ها در راه کمال انسانی بهره گرفته و جامعه‌ای با نشاط و همبسته خواهند داشت و اگر

یکدیگر را به رسمیت نشناسند و نپذیرند، از هم گسسته شوند و به ستیز برخیزند و خسارت دامان همه را خواهد گرفت، همان‌گونه که خداوند منان فرمود:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۱.

از همین‌رو، در این کتاب تلاش خواهد شد پس از طرح مفاهیم و مباحث نظری، به تنوع فرهنگی و همزیستی فرهنگی جوامع گوناگون از منظر اسلام پردازیم.

آنچه در این باره مهم است تفکیک میان «تفاوت و تکثر» به منزله یک «مشکل»^۲، «تفاوت و تکثر» به‌عنوان یک «واقعیت»^۳ و «تفاوت و تکثر» به صورت یک «ظرفیت»^۴ است، تا معلوم شود امروزه با چه انواعی از این مقوله مواجه هستیم و تعامل با آن براساس منطق اسلامی چگونه باید باشد. چراکه دیدگاه‌های متفاوتی درباره این گوناگونی موجود است که منجر به موضع‌گیری‌های متمایزی شده است، برخی با وجود پذیرش این واقعیت، آن را به‌عنوان یک مشکل دیده و الزاماً آن را مطلوب نمی‌بینند. برخی دیگر نیز با پذیرش واقعیت این مسئله آن را به‌عنوان یک ظرفیت می‌دانند که می‌تواند برای آنان منفعی را دربر داشته باشد.

حال سخن در این است که در چنین شرایطی، راهکارهای تنظیم روابط در اندیشه اسلامی با گونه‌های مختلف فرهنگی چگونه است؟ آیا راهی ایجابی در این وضعیت می‌توان یافت؟ یا اینکه با وجود رسوخ تفاوت‌ها در لایه‌های هویتی، می‌توان قدم در مسیر تساهل گذاشت؟ و یا اینکه باید گام به سوی «بی‌طرفی»^۵ دینی برداشت؟ آیا باید سیاست‌های همسان‌ساز^۶ اتخاذ کرد؟ یا از این مسئله نه تنها به‌عنوان یک واقعیت، بلکه به‌عنوان یک ارزش یاد کرد؟ اصولاً در عصر تغییر و تنوع و تفاوت‌ها و تکثرها، آیا دین می‌تواند در جلوگیری از برخورد اندیشه‌های متفاوت نقشی فعال داشته باشد؟ آیا اندیشه دینی اسلامی در این زمینه دارای انعطاف است یا انتزاعی و انعطاف‌ناپذیر؟ و سرانجام چگونه می‌توان انسجام اجتماعی مبتنی بر اندیشه اسلامی را در دنیای معاصر بیان کرد؟

هدف کتاب حاضر بررسی جنبه‌های نظری این مسئله است نه پژوهشی عملی در باب سیاست؛ هرچند ممکن است به مناسبت‌های مختلف، از نمونه‌های عملی یاد شود و در عرصه عمل نیز راهگشا باشد. این پژوهش درصدد است تا توانایی اسلام در مطرح کردن راه حل‌های

۱. مائده، ۲؛ (و) (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید».

2. Problem

3. Reality

4. Occasion

5. Neutral

6. Assimilatory

مسالمت‌آمیز را با وجود گوناگونی‌های فرهنگی، نشان دهد و همزیستی اجتماعی و مسالمت‌آمیز با وجود تفاوت‌ها و اختلاف‌های فرهنگی را ریشه‌دار در سنت اسلامی و به‌عنوان ویژگی ذاتی اندیشه اسلامی بداند. همچنین این پژوهش سعی دارد تا ضمن رد نگرش نادرست نسبت به اسلام اندیشه اسلامی، باورها و رفتارهای مسلمانان در روابط با یکدیگر و با غیرمسلمانان را بررسی نماید.

بررسی مبانی نظری تنوع فرهنگی و همبستگی با توجه به گستره آن، با الگوی وحدت در کثرت و روش علمی و تحلیلی استنادی و اصلاح روابط در جوامع متعدد فرهنگی بر این اساس، در اندیشه سیاسی اسلام کاری نوین است. می‌توان اذعان داشت که با وجود تلاش‌های بسیار متفکران و اندیشمندان در طول تاریخ، هنوز نظامی منطقی و مبانی صحیح در اصلاح روابط اجتماعی دنیای متنوع امروزی تدوین نشده است. این پژوهش می‌تواند با بررسی این بنیان‌های نظری خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی برطرف نماید و زیربنای بررسی عمیق‌تر با اتخاذ از منابع دست اول دینی در جوامع دارای فرهنگ‌های مختلف قرار گیرد.

از این‌رو مسئله اصلی پژوهش چنین است که بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در زندگی سیاسی-اجتماعی در اندیشه سیاسی اسلام چیست؟ عقل‌گرایی، شمول‌گرایی (مبانی معرفت‌شناختی)، کرامت انسانی، مساوات، فطرت خداجو، خلیفه‌اللهی، مختار و آزاد بودن (مبانی انسان‌شناختی)، ایمان و عمل صالح و ارزش‌های مشترک اخلاقی (مبانی ارزشی)، مهم‌ترین بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در زندگی سیاسی اجتماعی از دیدگاه اسلام به‌شمار می‌آیند.

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیلی استنادی است. بدین معنا که پژوهشگر برای آشکار شدن اندیشه سیاسی اسلام در مورد بنیان‌های تعدد فرهنگی و همبستگی، تحلیلی ارائه نموده است که با تکیه بر منابع و شواهد و قرائن معتبر دینی استنادات خود را ارائه می‌کند. در این روش ضمن مراجعه به منابع چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع به استنادسازی تحلیل در این تحقیق پرداخته می‌شود. از این‌رو صرفاً به توصیف دیدگاه‌ها پرداخته نمی‌شود بلکه با استفاده از روش استنادی تحلیل دیدگاه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است.

سازمان‌دهی

از آنجا که مسئله بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام، بحثی بسیار گسترده، دارای جوانب متعدد و در سطوح مختلف شایسته مطالعه و بررسی است و بالطبع همه مسائل مطرح شده در مسئله، مستقیم به بحث ما مربوط نمی‌شوند، یا اینکه این کتاب گنجایش تفصیل همه آن مطالب را ندارد، از این رو لازم است ساختار و سازمان این کتاب به‌طور مشخص مطرح شود؛ از این رو، پژوهش حاضر در فصول زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

فصل اول: مفاهیم و مباحث نظری

۱-۱. تنوع فرهنگی، مفهوم و خاستگاه

گام نخست در دستیابی به راه حل هر مسئله، فهم درست صورت مسئله و مفهوم‌شناسی آن است. توجه به این مقدمه بدیهی در مسئله سیاست تنوع فرهنگی اهمیتی دوچندان دارد. از همین روست که درک مفاهیم کلیدی این حوزه دارای اهمیت بسیار است و به برخی از آنها از قبیل: فرهنگ،^۱ خرده فرهنگ،^۲ تعدد فرهنگی،^۳ هویت،^۴ اقلیت، گفتگو،^۵ همبستگی، قوم و قومیت،^۶ و اندیشه سیاسی اسلام پرداخته خواهد شد. در ادامه به خاستگاه و منشأ تعدد فرهنگی اجتماعات انسانی در جوامع مختلف سنتی، مدرن و پسا مدرن می‌پردازیم. در این قسمت عواملی از قبیل مهاجرت‌ها، قدمت گروه‌های فرهنگی درون کشورها، اشتراک‌های فکری و فرهنگی بررسی خواهند شد.

۱-۲. همزیستی جوامع فرهنگی گوناگون و دیدگاه‌های موجود

در این قسمت همزیستی جوامع فرهنگی گوناگون، استراتژی‌ها و دیدگاه‌های موجود در مورد آن بررسی خواهند شد. دیدگاه‌هایی از قبیل:

۱. نادیده انگاشتن تنوع فرهنگی (سیاست همگن‌سازانه و حذف)؛

۲. تکثرگرایی و توجه به گوناگونی فرهنگی

۳. وحدت متکثر.

....و

1. Culture

3. Cultural pluralism

5. Dialog

2. Subculture

4. Identity

6. Ethnos and Ethnic

۱-۳. روش و منابع آن

در این قسمت در راستای آشکار شدن بنیان‌های تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام با تکیه بر منابع اجتهادی چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع، روش تحلیلی استنادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم، تنوع فرهنگی در اندیشه سیاسی اسلام

این فصل در دو گفتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۲-۱. اسلام و مؤلفه‌های تنوع فرهنگی سیاسی

در این گفتار اندیشه سیاسی اسلام در مورد تنوع و گوناگونی فرهنگی از منظر قرآن و سیره بررسی خواهد شد؛ سه مؤلفه آزادی، عدالت و امنیت، در اندیشه سیاسی اسلام با استناد به آیات، روایات و سیره، به‌عنوان مؤلفه‌هایی که می‌توان از آنها تنوع فرهنگی را موجه دانست، مورد بررسی و بازخوانی قرار خواهند گرفت و حدود و قلمرو پذیرش تنوع فرهنگی در اندیشه سیاسی اسلام نیز مشخص خواهد شد.

۲-۲. اسلام و مبانی نظری تنوع فرهنگی

در این گفتار بنیان‌های نظری تنوع فرهنگی در اندیشه سیاسی اسلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از این‌رو با مراجعه به قرآن و سنت، مبانی نظری از منظر اسلام تبیین می‌گردد. در این گفتار مبانی نظری معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزشی، هر کدام به تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این بخش معطوف به جنبه‌ها و بنیان‌های نظری مسئله است تا امور عملی، هرچند به مناسبت‌های مختلف و در صورت لزوم از الگوها و راه‌حل‌های عملی بحث خواهد گردید.

فصل سوم، همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام

در این فصل عرصه‌های همبستگی و همزیستی در اندیشه سیاسی اسلام بیان می‌شود و در ادامه عوامل گسست فرهنگی از منظر درونی و بیرونی بررسی خواهند شد و سرانجام راهکارهای حل اختلاف و رسیدن به همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز تبیین می‌شوند.

۴. نتیجه‌گیری

در پایان با توجه به مباحث مطرح در فصول کتاب و با بازبینی آیات قرآن و سنت، ضمن به رسمیت شناختن تفاوت و تنوع فرهنگی، زمینه را همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم آورده است.

فصل اول

مفاهیم و مباحث نظری

۱. تنوع فرهنگی، مفهوم و خاستگاه

۱-۱. مفاهیم

گام نخست و ضروری در دستیابی به فهم و راه حل هر مسئله‌ای فهم درست صورت مسئله و مفاهیم کلیدی مرتبط با آن است. از این رو با توجه به موضوع اصلی کتاب که «بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام» است، و همچنین سؤال اصلی و فرضیه این بحث، پیش از هر سخنی، مفاهیمی را که هر یک به نحوی با پژوهش حاضر در ارتباط‌اند، بررسی می‌کنیم:

۱. بنیان؛ ۲. فرهنگ؛ ۳^۱. خرده فرهنگ؛ ۴^۲. تعدد فرهنگی؛ ۵^۳. هویت؛ ۶^۴. اقلیت؛ ۷. گفتگو؛ ۸^۵. همبستگی؛ ۹. قوم و قومیت؛ ۱۰^۶. اندیشه سیاسی اسلام.

۱-۱-۱. بنیان

منظور از بنیان در این پژوهش، احصای مبانی تنوع فرهنگی و همبستگی نیست، بلکه مجموعه مبانی، اصول و آن دسته از آموزه‌هایی هستند که پس از استخراج از متون دینی، با استنادسازی به منابع دینی در قالب روش اجتهادی، سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام براساس آنها تبیین می‌شود. این پژوهش می‌کوشد به آموزه‌هایی دست یابد که براساس آنها اصول حاکم بر تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام قابل استخراج می‌شوند؛

1. Culture

3. Cultural pluralism

5. Dialog

2. Subculture

4. Identity

6. Ethnos and Ethnic

به همین دلیل تلاش شده است، هم بنیان‌های این موضوع بررسی شود و هم اصول و مؤلفه‌های حاکم بر این موضوع تبیین گردد.

۱-۱-۲. فرهنگ

با توجه به پیچیدگی، ابهام و مناقشه برانگیز بودن مقوله فرهنگ، تعریف جامع و یگانه‌ای از سوی دانشمندان و صاحب‌نظران از آن به دست داده نشده است. پیش از بیان تعریفی از فرهنگ بهتر است دیدگاه صاحب‌نظران این عرصه را بررسی کنیم.

فرهنگ، واژه‌ای فارسی که از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. «فر» پیشوند و به معنای جلو و بالا، و «هنگ» به معنای کشیدن و سنگینی است. این واژه مرکب، از نظر لغوی به معنای بالا کشیدن و برکشیدن و بیرون کشیدن است.^۱ فرهنگ در زبان لاتین از ریشه cultura و به معنای پرورش و مراقبت از گیاهان و در معنای مجازی مراقبت از اندیشه است.^۲ در زبان انگلیسی از سال ۱۴۲۰م به معنای پرورش پدیدار شد، اما در انسان‌شناسی، این اصطلاح فنی را تایلور در سال ۱۸۶۵م به این زبان وارد ساخت.^۳

تعریف‌های متعددی از فرهنگ مطرح شده است؛ برخی مثل کروبر و کلاکن^۴ در کتاب فرهنگ: مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف، ۱۶۴ تعریف متفاوت از فرهنگ به دست داده‌اند و برخی حتی تعریف‌های بیشتری برای فرهنگ آورده‌اند.^۵ البته مفهوم فرهنگ در زبان فارسی ابهام و پیچیدگی برخی زبان‌های دیگر نظیر انگلیسی،^۶ فرانسه و آلمانی را ندارد. «اگر در لاتین واژه فرهنگ «از پروراندن» آمده و کاربرد آن در زراعت و کشت بوده، در فارسی از دیرباز در معانی ادب، عقل و ادراک و موارد بسیاری از این قبیل به کار رفته است. جنبه معنوی فرهنگ که در اروپا در دوره‌ای از تاریخ اهمیت داشته است، با کاربرد فرهنگ در بعد معنوی آن در زبان فارسی همخوانی دارد».^۷

۱. روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۱. ۲. بیرو آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۷۷.

۳. جولس گولد و دیگران، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۶۳۰.

4. Krober and Klukhohn

۵. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۴۷-۷۲.

۶. فرهنگ در زبان انگلیسی جزء دو سه کلمه‌ای است که پیچیده‌ترین معانی را دارد.

۷. پهلوان، فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن)، ص ۱۷.

در فرهنگ و ادبیات فارسی، فرهنگ را مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، باورها، اخلاق، هنر، آداب و رسوم و هرگونه توانایی می‌دانند که انسان‌ها به جهت عضویت در جامعه کسب می‌کنند و بر مبنای آن زندگی فردی و اجتماعی خود را تداوم می‌بخشند. فرهنگ به این معنا، اساس و سعادت و پویایی جامعه است.^۱

کاربرد دقیق مفهوم فرهنگ همراه با تعریف آن با تایلور آغاز می‌شود.^۲ مفهوم فرهنگ در دانش مردم‌شناسی و انسان‌شناسی، نخستین بار در انگلستان به کار رفته و ادوارد برنت تایلور^۳ آن را برای نخستین بار در کتاب خود به نام فرهنگ ابتدائی^۴ که در سال ۱۸۷۱م، منتشر شده، توصیف کرده است. تایلور در تعریف فرهنگ می‌نویسد: فرهنگ یا تمدن ... مفهوم پیچیده‌ای است که شامل دانش، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و عاداتی است که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه آن را داراست.^۵

گیدنز در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ عبارت از ارزش‌هایی است که یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود، چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوی کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، همه را دربر می‌گیرد. همچنین شامل کالاهایی می‌شود که تولید می‌کنند و برای آنها مهم است؛ مانند تیر و کمان، خیش، کارخانه، خودرو، رایانه، کتاب و مسکن».^۶

گیرتز که به نحله تفهیمی-تفسیری در انسان‌شناسی تعلق دارد، فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «سلسله مراتبی از ساختارهای معانی است که اعمال، نمادها و علامت‌های ناشی از حرکات، پلک زدن‌های عادی و مصنوعی، ادا درآوردن‌ها، اظهار کردن، بیان داشتن، مکالمه کردن و تک‌گویی را شامل می‌شود».^۷ به بیان دقیق‌تر «فرهنگ الگویی از معانی است که در آشکال نمادین متبلور شده و شامل اعمال، بیانات و واقعیاتی معنادار است که در اثر

۱. ر.ک: انصاف‌پور، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

۲. همان، ص ۳۹.

3. Edward Burnett Tylor

4. primitive culture

5. B.Tylor, primitive culture, London: John Murray, 1871, p.1.

۶. صالحی، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، ص ۱۸.

۷. سلیمی، فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۴۱.

ارتباط افراد با یکدیگر به وجود می‌آیند و در اثر آن افراد در تجربیات، مفاهیم و باورهای یکدیگر مشارکت می‌جویند»^۱.

ریموند ویلیامز از متفکران و پیشگامان حوزه فرهنگ و مطالعات فرهنگی در تعریف فرهنگ می‌گوید: «ما واژه فرهنگ را در دو معنا به کار می‌بریم: روش کلی زندگی (معانی مشترک) و هنر و معرفت (فرایندهای خاص اکتشاف و تلاش خلاقانه). برخی نویسندگان این واژه‌ها را به یکی از این معانی اختصاص می‌دهند، اما من بر هر دو معنا و بر اهمیت پیوستگی این دو تأکید دارم»^۲.
در مجموع با توجه به معانی ذکر شده از فرهنگ می‌توان تعریف خود از فرهنگ را این‌گونه بیان کرد. فرهنگ: «مجموعه‌ای درهم تنیده شامل عقاید و باورها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارها و اعمال و رفتارهایی است که جنبه‌های ظاهری و مادی و معنوی زندگی انسان‌ها را دربر می‌گیرد».
حال با توجه به ابهام و پیچیدگی مفهوم فرهنگ، تنوع و چندفرهنگی، پدیده‌ای چندجانبه و پیچیده‌تر می‌شود؛ و به تبع آن در جامعه چندفرهنگی، فرهنگ‌های مختلف و گاه متناقض با هم تعاملاتی از تکامل و همیاری تا ستیز و کشمکش دارند.

نسبت فرهنگ و دین

یکی از مسائل بسیار مهم و تأثیرگذار در عرصه سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی، نسبت و رابطه میان دین و فرهنگ است که براساس قلمرو و خاستگاه هر یک، دیدگاه‌های متفاوتی در این رابطه طرح شده است.

از مباحث مؤثر در فهم رابطه دو مقوله دین و فرهنگ، قلمرو هر یک خواهد بود. درباره قلمرو دین دیدگاه‌های متفاوت حداقلی و حداکثری مطرح شده است؛ با توجه به دیدگاه حداکثری، دین جامع و ناظر و پاسخگو به همه ابعاد زندگی انسان است و نه صرف مسائل اخروی و رابطه انسان با خدا در دایره روابط انسان. بر این اساس نقش دین در فرهنگ و فرهنگ‌سازی بسیار برجسته خواهد بود و همچنین با توجه به قلمرو گسترده فرهنگ براساس تعریف یاد شده نقش فرهنگ در دین نیز جدی خواهد بود. اما با توجه به دیدگاه حداقلی دین که قلمرو دین را صرفاً ناظر به مسائل اخروی می‌داند، نقش دین و تأثیرگذاری آن در فرهنگ

۱. همان، ص ۴۳.

۲. صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، ص ۲۷.

کم‌رنگ است و تنها در بخش اخروی فرهنگ می‌تواند تأثیر داشته باشد. تعدد قرائت‌ها و فهم متفاوت از دین، با توجه به فرهنگ‌های متفاوت در این حوزه قابل تبیین است.

مهم‌ترین مستندات و استدلال قرآنی گروه اول عبارت‌اند از:

«ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛^۱ ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم».

البته برخی کتاب را به معنای لوح محفوظ گرفتند.

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ؛^۲ و ما این کتاب را بر

تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا؛^۳ اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن

آمده، به سوی شما فرستاده است».

«وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛^۴ و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و

خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است».

«وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا؛^۵ و ما همه چیز را مفصل بیان داشتیم. و همچنین آیاتی دیگر که

دال بر فرازمانی و فرامکانی رسالت و قرآن دارد».^۶

ابوحامد غزالی، زرکشی و برخی اندیشمندان معاصر، قلمرو دین را بسیار گسترده دانسته و

دین را دربردارنده همه ابعاد زندگی انسان می‌دانند.

غزالی در این زمینه می‌نویسد: این علوم، چه آنهایی را که ما شمار کردیم و چه آنهایی را که

آنها را بر نشمرده و یا شمار نکردیم، ریشه آنها از قرآن خارج نیست، چراکه همه آنها از دریای

واحدی از دریا‌های معرفت الله سرچشمه گرفته‌اند و آن دریای افعال است. و گفتیم که این

دریایی است که ساحلی ندارد؛

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي».^۷ پس از افعال الهی،

از دریای افعال، شفا و مرض است که خداوند از قول ابراهیم حکایت می‌کند که: «وَإِذَا مَرِضْتُ

فَهُوَ يَشْفِينِ».^۸

۱. انعام، ۳۸.

۲. انعام، ۱۱۴.

۳. اسراء، ۱۲.

۴. ر. ک: انعام، ۹۰؛ اعراف، ۱۵۸؛ یوسف، ۱۰۴؛ قلم، ۵۲؛ فرقان، ۱.

۵. کشف، ۱۰۹.

۶. غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۶.

۷. نحل، ۸۹.

۸. انعام، ۵۹.

غزالی قرآن را دربرگیرنده ۷۷ هزار و دویست علم می‌داند و بر این باور است که هر حرف قرآن یک علم را در خود جای داده است.^۱ زرکشی علوم قرآن را نامحدود و شمارش‌ناپذیر می‌داند.^۲ یوسف مروه، فیزیکدان عرب، بیش از ۱۰ درصد آیات قرآن را درباره علوم طبیعی می‌داند و می‌گوید: «بیش از یک دهم آیات قرآن مربوط به علوم طبیعی است و به صورت دقیق، ۶۷۰ آیه درباره علوم گوناگون وجود دارد، ۶۱ آیه درباره ریاضیات، ۶۴ آیه درباره فیزیک، پنج آیه درباره اتم، نه آیه در علم شیمی، ۶۲ آیه در نظریه نسبیت، صد آیه در ستاره‌شناسی و نجوم، بیست آیه درباره عوامل جوی چون دما، فشار، هوا، باده‌ها و...، چهارده آیه درباره آب‌ها، یازده آیه درباره فاصله میان ستارگان، دوازده آیه در علم حیوان‌شناسی، ۲۱ آیه در کشاورزی، ۷۳ آیه در جغرافیای عمومی، ده آیه در علم زیست‌شناسی، بیست آیه در طبقات زمین، ۳۶ آیه در پیدایش هستی و تاریخ آن و سرانجام ۶۴ آیه در توصیف علم».^۳

ابن مسعود نیز گفته است: خداوند در قرآن هر علمی را نازل کرده و هر چیزی را برای ما بیان داشته است.^۴

البته با نگاه حداکثری مأخوذ پژوهش، این جامعیت دین و قرآن بدین معنا نیست که تمام جزئیات مربوط به حوزه تعدد فرهنگی، در قرآن آمده است، قطعاً قرآن مشتمل بر متشابهات و لایه‌های درونی مختلفی است، که فهم آنها اختصاص به انسان‌های عادی ندارد. بلکه از آنجا که «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۵ قرآن کتاب هدایت است و حوزه فرهنگی نیز مرتبط با هدایت انسان است، هر آنچه که به هدایت و سعادت دنیایی و اخروی انسان متوقف بر آن است در قرآن کوتاهی نشده است.

با توجه به نگاه حداقلی مهدی بازرگان در کتاب آخرت و خدا هدف بعثت انبیا، قلمرو دین را در رابطه انسان با خدا و هدف بعثت را تنها آخرت می‌پندارد و در پاسخ به این پرسش، در رد نظر مخالفانش چنین می‌گوید که: «سؤالی که پیش می‌آید و مکرر عنوان می‌گردد، این است که در احکام دین و در روایات و آیات، نه تنها فرایض و حرام و حلال‌ها و دستورالعمل‌های فراوان را مشاهده می‌نماییم که ناظر به روابط و رفتارهای شخصی یا اجتماعی ما بوده، اثر مستقیم و

۱. همو، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. مروه یوسف، العلوم الطبيعية فی القرآن، ص ۷۶-۷۷.

۴. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، (تفسیر طبری)، ج ۱۴، ص ۱۰۸.

۵. بقره، ۲.

غیرمستقیم روی سلامتی و بهبود زندگی افراد و حسن اداره امور خانواده و امت و جهان دارد و چنین برمی آید که اسلام عنایت خاص نسبت به مسائل دنیایی مسلمانان ورزیده، خود را علاقه مند یا مسئول سلامت و سعادت انسان‌ها می‌داند.^۱ وی در پاسخ به این پرسش، منظور از این احکام و هدف تشریحی آنها را چنین بیان می‌کند:

تمامی آنچه در دین ما آمده است و ناظر به مسائل دنیوی ما می‌باشد، در راستای آخرت و نزدیکی به خداست. قرآن تا آنجا به کار دنیای ما می‌پردازد که وسیله‌ساز حیات آخرت و تقرب ما به خدا باشد...^۲ و اگر در اصول و فروع دین چیزهایی از بابت زراعت و صناعت و تجارب طرح و بحث نشده است، ولی در گفتارها و آموزش‌ها و کارهای ثبت شده از رسول خدا و ائمه هدی تا دل‌تان بخواهد، سفارش‌ها و دستورالعمل‌های زندگی جاری و دنیایی وجود دارد، مانند طب النبوی و طب الرضا، کلمات قصار نهج البلاغه حضرت امیر، نهج الفصاحه و حکمت‌ها و روایات رسیده از پیامبر گرامی و امامان، تقریباً در کلیه روابط و آداب زندگی... در عین ارزنده بودن و ممتاز بودن، جزء دین و شریعت حساب نمی‌شود و مشمول «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»^۳ نمی‌گردد.^۴

عبدالکریم سروش نیز بحث قلمرو دین را با نگاه حداقلی دیده و آن را در ارتباط با بحث انتظار بشر از دین می‌داند و می‌گوید:

فهم متون دینی، خود در گرو تعیین و تحدید انتظارات ما از دین است و نه برعکس، چون اگر به فرض کسی چنین بیندارد که از کتاب و سنت می‌توان جمیع نکات خرد و درشت شئون زندگی و امور عالم را استخراج کرد، در آن صورت عبارات دینی برای او معانی دیگر خواهد یافت... آدمیان پیش از مراجعه به دین باید مسائل را به مسائل اصلی و فرعی تقسیم کرده باشند و چارچوبی برای انتظارات خود معلوم و معین نموده و سپس سراغ متون دینی بروند.^۵

وی همچنین در تعیین قلمرو دین و نقش انتظار از دین چنین معتقد است:

انتظار ما از دین، یعنی تبیین اینکه دین چه می‌تواند بکند و آمده و آماده است تا چه بکند و پیداست که تبیین توانایی‌های دین منوط به تبیین گوهر دین است. این از یک سو، از سوی دیگر نیازهای آدمی که او را به دین محتاج می‌کند. دینی که نیازهای اصلی آدمی را (که ناکام مانده‌اند و در جای دیگر برآورده نمی‌شوند) برنیآورد، پذیرفتنی و خواستنی نیست. لذا در تحدید

۱. بازرگان، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۶۷. ۳. نجم، ص ۴.

۴. بازرگان، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا، ص ۷۶.

۵. سروش، مدارا و مدیریت، ص ۱۳۵.

انتظارات ما از دین تبیین دو امر ضرورت دارد: یکی، گوهر دین و دیگری، آن دسته از نیازهای اصیل آدمی که جای دیگر اشباع نمی‌شوند و تبیین این دو امر، خارج از دین صورت می‌گیرد.^۱

آرکون، نویسنده عرب نیز قلمرو دین را شناخت خدا و دیانت را مناجات عبد با آفریدگار می‌خواند و بر این باور است که مناجات با نماز، حج، روزه و... صورت می‌پذیرد. آرکون زندگی دینی را از انواع زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جدا می‌کند و این جداسازی را از باورهای خویش می‌داند. از دید او آنها که اسلام را با نگاه حداکثری دیده و دین و دولت و دنیا معرفی می‌کنند به بیراهه رفته‌اند و میان معانی، ارزش‌ها و وظایف و دین، دنیا و دولت خلط کرده‌اند.^۲

مسئله روشنگر دیگر در بیان رابطه دین و فرهنگ، خاستگاه این دو مقوله خواهد بود. در رابطه با خاستگاه دین نیز دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده که براساس دیدگاه غالب و اتخاذ شده که خاستگاه دین فطرت است و انسان را به صورت فطری دین باور، خداجو و دارای گرایش به توحید می‌شناسد،^۳ دین حق دخالت در فرهنگ را دارد و می‌تواند فرهنگ‌سازی، یا پالایش فرهنگی کند. اسلام دین فطرت است و قوانین و ارزش‌هایی که به‌عنوان مبانی همبستگی مطرح می‌شوند می‌توانند برای همه افراد بشر پیام داشته باشند. این قوانین برگرفته از فطرت انسانی هستند، نه برگرفته از عادات و سنت‌های گوناگون بشری و چون که فطرت همه بشر و ساختار فطری روح آنها یکی است و یک چیز را طلب می‌کند، پس این قوانین هم می‌توانند عمومی و دربرگیرنده همه انسان‌ها باشند. و آن چیزی که از فطرت بشر برخاسته است، جنبه انسانی دارد و مربوط به اصول مشترک انسانی است:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۴ روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست این است دین و آیین محکم و استوار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

علامه طباطبایی در تفسیر آیین آیه معتقد است: دین امری فطری است و انسان دارای فطرتی است که در سرشت او گرایش به دین و سیر به سوی تکمیل نواقص و رفع حوائج، نهفته است.^۵

۱. همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. آرکون، الفکر الاسلامی، قراءة علمیه، ص ۸۷-۹۰.

۳. ر.ک: فصل دوم، مبانی انسان‌شناختی بحث فطرتی خداجو.

۴. روم، ۳۰. ۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۷۸.

برخی اندیشمندان غربی نیز به فطری بودن دین و خداجو بودن انسان معتقدند. ویکتور فرانکل درباره فطرت انسان می‌گوید: در واقع یک احساس مذهبی عمیق ریشه‌دار، در اعماق ضمیر ناخودآگاه (یا شعور باطن) هر انسانی، و همه انسان‌ها وجود دارد. در دو تا از کتاب‌هایم یکی به نام انسان در جستجوی معنا و دیگری معناجویی، شواهدی در تأیید نظریه‌ام مطرح کرده‌ام، مبنی بر اینکه این احساس ممکن است به‌طور غیرمنتظره‌ای حتی در موارد بیماری روانی شدید، نظیر روان‌پریش، بروز کند.^۱

از این‌رو، با توجه به قلمرو و خاستگاه دین و فرهنگ می‌توان روابط میان این دو مقوله را به صورت ذیل بیان کرد:

۱. عینیت: در این صورت رابطه دین و فرهنگ این‌همانی خواهد بود. با توجه به قلمرو دین و فرهنگ، اگر دین را حداکثری و ناظر و پاسخگو به تمام زوایای زندگی انسان بدانیم و قلمرو فرهنگ را بسیار گسترده و به تمامی روابط، باورها، قوانین و آداب و رسوم توصیف کنیم؛ در چنین صورتی رابطه دین و فرهنگ، عینیت و این‌همانی خواهد بود؛ چراکه دین حداکثری تمامی ابعاد زندگی انسان را پاسخگوست و فرهنگ نیز یک کلی است که همه حوزه‌ها را دربر خواهد گرفت. از این‌رو دین و فرهنگ به یکدیگر کمک شایانی خواهند کرد. اما با توجه به دیدگاه حداقلی دین و نگاه گسترده فرهنگ، رابطه این‌همانی نخواهد بود بلکه رابطه کل و جزء خواهد شد که دین زیرمجموعه فرهنگ خواهد شد؛

۲. تقابل: در این نوع رابطه دین در تقابل با فرهنگ قرار می‌گیرد و هر دو دارای رابطه متضاد با هم هستند؛ چراکه قلمرو و خاستگاه هر یک با هم متفاوت خواهد بود. در این رابطه خاستگاه دین فطری و امری ماورائی است و دین، خداجویی و گرایش به توحید، به‌طور فطری از سوی خداوند در جوامع متنوع فرهنگی برای هدایت انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است، اما خاستگاه فرهنگ امری دنیوی و بشری است؛

۳. تعامل و همبستگی: در این نوع رابطه، فرهنگ جامعه متأثر از دین و آموزه‌های دینی خواهد بود و فرهنگ نمی‌تواند بدون تأثیر از دین و آموزه‌های دینی قرار گیرد. از سوی دیگر، دین نیز متأثر از فرهنگ است. در مواردی دین، فرهنگ جامعه را باطل می‌داند و در مواردی دین به فرهنگ جامعه رنگ دینی می‌بخشد و عناصر فرهنگی قبل از ظهور دین به‌عنوان عناصر دینی

۱. فرانکل، خدا در ناخودآگاه، ص ۱۹.

شناخته می‌شوند. گاه دین نقش اصلاح‌کننده فرهنگ جامعه را خواهد داشت، همانند تعدد زوجات و سعی میان صفا و مروه در حج و اصلاح آن در اسلام. از طرفی، فرهنگ نیز در دین تأثیرگذار است و دین را در میان جوامع متنوع و مختلف درخور فهم می‌سازد و فهم انسان‌ها را در زمینه‌های مختلف متحول خواهد کرد. رابطه منطقی این تعامل دین و فرهنگ، عموم و خصوص من وجه است که ضمن داشتن عرصه‌های مشترک در این دو حوزه، دارای عرصه‌های اختصاصی نیز هستند. این تعامل دین و فرهنگ در تاریخ ایران اسلامی کاملاً هویداست و فرهنگ ایرانی پس از ظهور اسلام تأثیرپذیری‌های بسیاری از اسلام داشته است و از طرفی، دین اسلام نیز در تعامل و تأثیرپذیری از فرهنگ و خردورزی ایرانیان بوده است. مفاخر و شعرای ایرانی، چون فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ، متأثر از فرهنگ و دین اسلامی بوده‌اند.

در این نوع رابطه تعاملی میان دین و فرهنگ باید به این نکته توجه کرد که دین دارای دو دسته آموزه ثابت و متغیر است. آموزه‌های ثابت دین در تعامل با فرهنگ تغییرناپذیر بوده و در هر جامعه و فرهنگی با پذیرش دین، آن احکام ثابت و دینی نیز پذیرفته خواهند شد. در واقع این ثابتات در دین می‌توانند نقطه اشتراک و عامل وحدت‌بخش با فرهنگ‌های متکثر و با ادیان دیگر نیز باشد. و از این‌روست که با این عامل وحدت‌بخش می‌توان فرهنگ‌های متکثر را و نه ادیان متفاوت را، پذیرفت؛ اما آموزه‌های متغیر با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان و در تعامل با فرهنگ‌های متنوع و گوناگون تغییرپذیر هستند و متناسب با فرهنگ و وضعیت موجود امکان طرح شدن دارند. تعامل و تناسب آموزه‌های متغیر با فرهنگ‌های خاص از کانال‌هایی مثل اجتهاد صورت می‌گیرد که به تضاد دین و فرهنگ نینجامد.

۱-۱-۳. خرده فرهنگ

خرده فرهنگ‌ها گروه‌هایی فرهنگی هستند که در عین داشتن عناصر مشترک با فرهنگ غالب و مسلط جامعه، در باورها، ارزش‌ها، الگوها، آداب و رسوم، شیوه‌های زندگی، زبان و... متمایز از فرهنگ غالب هستند. آشکارترین شکل خرده فرهنگ‌ها را در قومیت‌ها می‌توان یافت.

گیدنز در تعریف خرده فرهنگ می‌گوید: فرهنگ‌های قومی، قبیله‌ای، ناحیه‌ای، گروه‌های زبانی یا اقلیت‌های مذهبی و نیز فرهنگ‌های ویژه و فرعی گروه‌های شغلی، طبقات و قشرهای موجود در یک کشور را خرده فرهنگ می‌گویند، که البته هر کدام در عین داشتن ویژگی‌های

خاص خود با فرهنگ کلی جامعه مبانی مشترک دارند.^۱ روح الامینی در توصیف خرده فرهنگ، آن را تفاوت‌ها و ویژگی‌های داخلی هر فرهنگ با جوانه‌ها و شاخ و برگ‌های تنه اصلی فرهنگ جامعه می‌داند و مثال می‌زند که ویژگی‌های مردم یک استان از لحاظ گویش، آداب و رسوم، نحوه پوشش، مهمان‌نوازی، ازدواج و مانند آنها، فرهنگ ایشان را از دیگر فرهنگ‌ها مشخص و متمایز می‌کند. این فرهنگ ویژه را خرده فرهنگ آن منطقه، قوم، استان و... می‌نامیم.^۲

۱-۱-۴. سیاست تنوع فرهنگی

یکی از مفاهیم مهم در این موضوع سیاست تنوع فرهنگی است که برای فهم آن نخست به بیان مفهوم تنوع فرهنگی پرداخته و در نهایت مقصود خود از سیاست تنوع فرهنگی را توضیح خواهیم داد. برخی اندیشمندان فرهنگ را مترادف دین گرفته و با تکثرگرایی فرهنگی به تکثرگرایی دینی می‌رسند و معتقدند پذیرش تکثرگرایی فرهنگی همان تکثرگرایی دینی است، در حالی که تنوع و گوناگونی از حیث آداب، رسوم، عادات و سنن با کثرت ادیان متفاوت است. تنوع و گوناگونی فرهنگ در بخش آداب و سنن در اندیشه سیاسی اسلام پذیرفته شده است؛ زیرا که هر گروه و جمعیتی که در هر مکانی زندگی می‌کنند، ممکن است دارای آداب و رسوم مخصوص به خود باشد و هیچ منعی برای آن وجود ندارد و همچنین هیچ دلیلی مبنی بر اینکه همه این آداب و رسوم باید یکی باشند، نداریم؛ چراکه این آداب و رسوم در فرهنگ‌های گوناگون قراردادی و اعتباری هستند. و اما نکته شایان توجه این است که بنا بر تعریفی که از فرهنگ بیان کردیم، بخش عقاید و باورها در تعریف فرهنگ که با حوزه دین همپوشانی دارد، در اندیشه سیاسی اسلام نیز پذیرفته شده است، به این معنا که شخص دگراندیش به لحاظ دینی، حق موجودیت و حیات را در عرصه حیات اجتماعی خواهد داشت. در اینجا بحث بر سر این نیست که آیا چنین اعتقادی حق شمرده می‌شود یا نه؟ مسلم است که در اندیشه سیاسی اسلام، مخالف اسلام در عقیده مورد تأیید نیست. از این رو، تنوع و گوناگونی ادیان یا پلورالیزم دینی مبحثی جداگانه است که مسئله این پژوهش نیست.

در قبال مسئله تعدد فرهنگی نیز دیدگاه‌های گوناگونی اتخاذ شده است:^۳ برخی آن را رد کرده و

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۷۸۸.
۲. روح الامینی، زمینه فرهنگ شناسی، ص ۳.
۳. تفصیل این دیدگاه‌ها و قائلان به آنها در ادامه همین فصل بحث مربوط به استراتژی‌ها و الگوهای موجود خواهد آمد.

از یکسان‌سازی و همگون‌سازی فرهنگ‌ها سخن می‌رانند، برخی آن را به‌عنوان یک واقعیت و ویژگی پایدار جوامع امروزی می‌پذیرند، و برخی دیگر نیز افزون بر اینکه آن را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند از آن به‌عنوان یک ارزش یاد کرده‌اند که می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت از آن استفاده کرد و باید در حفظ آن کوشید.

بر اساس همین دیدگاه‌های گوناگون نیز دولت‌ها، سیاست‌های مختلفی اتخاذ می‌کنند که از آن به‌عنوان دیدگاه‌های حداقلی و حداکثری می‌توان یاد کرد. دیدگاه حداقلی معتقد است سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای اتخاذ شوند که تفاوت‌های فرهنگی را بپذیرند، احترام کنند و با آنها مدارا داشته باشند. و دیدگاه حداکثری بر این باور است که در سیاست‌گذاری‌ها نه تنها باید آنها را به رسمیت شناخت و مدارا کرد، بلکه باید فرایندهای تصمیم‌گیری‌ها نیز در ابعاد مختلف بر مبنای تعدد فرهنگی شکل بگیرد و سیاست‌ها و تصمیم‌های برگرفته از توجه به تعدد فرهنگی، پذیرفتنی‌اند.

از این رو، کثرت‌گرایی فرهنگی را برخی به معنای همزیستی چندین خرده فرهنگ در یک جامعه معین در شرایط برابر دانسته‌اند^۱ و برخی یک نوع انطباق که بر اثر آن گروه‌های قومی یا نژادی گوناگون در صلح و صفا با هم زندگی می‌کنند و هر یک ضمن احترام به فرهنگ دیگری، آداب و رسوم سنتی خویش را حفظ کند،^۲ می‌دانند. بر این اساس، تنوع فرهنگی به معنای وجود و پذیرش خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در یک جامعه است و کثرت‌گرایی فرهنگی که مبتنی بر تنوع فرهنگی است به معنای همزیستی مسالمت‌آمیز همین خرده فرهنگ‌های متنوع در یک جامعه است که ضمن پذیرش و به رسمیت شناختن یکدیگر با احترام در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

با توجه به تعریف و عناصر فرهنگ و تنوع فرهنگی، اقسام تنوع فرهنگی را می‌توان این گونه بر شمرد:

۱. تنوع دینی مذهبی: حضور ادیان و مذاهب گوناگون در جوامع و دولت‌های مختلف تنوع در این زمینه را پدید می‌آورد و در نتیجه مواجهه دولت‌ها و واحدهای سیاسی با این تنوع متفاوت است. اصول دوازدهم تا چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونگی پذیرش همراه با احترام به اقلیت‌های دینی و مذهبی را توضیح می‌دهد؛

۲. تنوع زبانی: زبان و لهجه‌های قومی و محلی غیر از زبان اکثریت ساکنان آن جامعه،

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۷۹۵.

۲. کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص ۲۸۰.

موجب تنوع و اقلیت‌های زبانی می‌شود و پذیرش زبان و لهجه‌های گوناگون و مواجهه با آنها در جوامع گوناگون نیز مختلف است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو اصل پانزده و شانزده بدین امر اشاره دارند؛

۳. تنوع قومی: هزاران منش اکتسابی و مشترک میان گروه‌های بشر وجود دارد که به‌گونه‌های مختلف از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند؛ مانند باورها، روش زندگی، آیین‌ها و... که مجموعه این منش‌های مشترک را می‌توان «قوم-فرهنگی» نامید و به وسیله این منش‌هاست که می‌توان قومی را از قوم دیگر بازشناخت؛^۱

۴. تنوع ملی: اقلیت‌های ملی معمولاً به دلیل شکست امپراتوری‌های چندملیتی با گوناگونی قومی، شکست ملت‌ها و تحت سلطه واقع شدن بخشی از سرزمین‌شان از سوی دولت دیگر یا تشکیل دولت ملی بر پایه ملیت (مانند کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، عراق، ترکیه و...) پدید آمده‌اند. اقلیت‌های ملی اغلب در کشورهایی که دولت بر پایه ملیت ویژه‌ای ایجاد شده، دیده می‌شوند. این اقلیت‌ها در کشورهای محل اقامت خود بیگانه تلقی نمی‌شوند؛ زیرا جزء شهروندان آن کشور هستند. چنانچه این بیگانگی به آنها تحمیل شود، نه تنها خطر ناآرامی میان دو دولت (دولت محل اقامت و دولت اصلی) یا حتی ناآرامی در سطح بین‌الملل ایجاد می‌شود، بلکه به فضای تبعیض میان افراد و گروه‌ها در داخل کشور نیز دامن زده می‌شود. اقلیت‌های ملی معمولاً در شرایط ذیل به سر می‌برند:

۱. در کشوری غیر از کشور خود زندگی می‌کنند و احساس تعلق به ملت دیگری دارند؛ مانند روس‌ها در کشورهای بالکاتیک پس از سقوط کمونیسم، یا آلمانی‌های مقیم دانمارک، آلبانیایی‌های مقیم کوزوو و...؛

۲. دارای تاریخ، زبان، آداب و سنن ریشه‌دار و مستمر، متفاوت با اکثریت کشورند و گروه حاکم در پی زدودن همه این ویژگی‌هاست؛

۳. خوار انگاشته و مورد تبعیض‌اند، به طوری که از آن تبعیض، تنش و چالش ایجاد می‌شود؛

۴. احساس جمعی مورد تبعیض قرار گرفتن و خوار انگاشته شدن دارند و به دنبال تعارض و مواجهه‌ای که با گروه حاکم پیدا می‌کنند، خواستار خودمختاری یا استقلال می‌شوند.^۲

۱. خوبروی پاک، اقلیت‌ها، ص ۸۵-۸۶.

۲. صالحی امیری، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، ص ۱۵۹-۱۶۰.

حال پس از روشن شدن مفهوم تنوع فرهنگی، مقصود ما از سیاست تنوع فرهنگی بدین معناست که: «سیاستی است که ضمن به رسمیت شناختن واقعیت تنوع فرهنگی، از آن به‌عنوان یک ارزش یاد می‌کند و در صدد تدبیر آن به‌عنوان یک ظرفیت و به منظور حفظ همبستگی و انسجام است. بدین معنا که ضمن به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی می‌خواهد به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که انسجام جامعه خدشه‌دار نشود».

۱-۱-۵. هویت

امروزه با توجه به عصر ارتباطات و ارتباط فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها و هویت‌های گوناگون، بررسی مفهوم هویت در جوامع متنوع فرهنگی ضرورتی است که باید بدان پرداخته شود. مفهوم هویت یکی از مفاهیم قدیمی و پیچیده علوم اجتماعی است که در مقایسه با دیگر مفاهیم کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در فهم این مقوله تعریف‌ها و تفسیرهای گوناگونی مطرح است. «خودت را بشناس»^۱ سؤال اساسی مرتبط با بحث هویت این است که من کیستم؟ و چیستم؟ به سخن دیگر، تعمق در کیستی و چیستی افراد است و در واقع خودشناسی است که در حیطه فردی و جمعی قابل شناسایی است. در این بحث من یا خود (self) در تقابل با غیر (other) اهمیت می‌یابد و پدیده غیریت در رابطه با مقوله هویت پیوندی جدی دارد. در فرهنگ معین، در تعریف لغوی «هویت» چنین آمده است: «آنچه موجب شناسایی شخص باشد»^۲، یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. یا در فرهنگ عمید چنین آورده است: هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد.^۳ و دهخدا هویت را پاسخی به سؤال چه کسی بودن و چگونه شناسایی شدن و تشخیص دانسته است.^۴ در اصطلاح نیز برای هویت معانی و تعریف‌های متعددی ذکر شده است. «هویت به معنای چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان برای شناخته شدن به چیزی یا جایی بر می‌آید. این حس تعلق داشتن، بنیادی ذاتی یا غریزی در وجود انسان دارد. برآورده شدن این نیاز سبب خودآگاهی فردی در انسان می‌شود و ارضای آن میان یک گروه انسانی،

1. Know yourself

۳. عمید، فرهنگ عمید، ص ۱۲۶۵.

۲. معین، فرهنگ معین، ج ۴، ص ۵۲۲۸.

۴. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۰۸۶۶.